ASPI | Afarand Scholarly Publishing Institute; Turkey
ISSN: 2538-4384; Geographical Researches. 2025;40(1):95-101. 10.58209/geores.40.1.95

Relationship Between Urban Space Quality and Different Levels of Sense of Place in District 22 of Tehran

ARTICLE INFO

Article Type
Original Research

Authors
Hoseini Lahoordi M.[1] *MSc*
Mansori M.[2]* *PhD*
Shafipour Yourdshahi P.[2] *PhD*

How to cite this article
Hoseini Lahoordi M, Mansori M, Shafipour Yourdshahi P. Relationship Between Urban Space Quality and Different Levels of Sense of Place in District 22 of Tehran. Geographical Researches. 2025;40(1):95-101.

[1]Department of Architecture and Urban Planning, Shahr Qods Branch, Islamic Azad University, Shar-e-Qods, Iran
[2]Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of civil Engineering and Architecture, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran

***Correspondence**
Address: Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of civil Engineering and Architecture, Technical and Vocational University (TVU), Vanak squre, Tehran, Iran. Postal Code: 1435761137
Phone: +98 (21) 42350000
m-mansori@tvu.ac.ir

Article History
Received: March 20, 2025
Accepted: April 28, 2025
ePublished: May 4, 2025

ABSTRACT

Aims The purpose of this research is to identify and evaluate the influential components of urban spaces in increasing the sense of belonging to the place in the public spaces of District 22.

Methodology The current research is applied in terms of its research objective and analytical-descriptive in nature. The research strategy is inductive. Research data was collected using a questionnaire. The statistical population is residents of the 22nd district. The sample size using the Cochran formula is 387 samples.

Findings According to the results of the model in AMOS, the relationship between the quality of public space and the sense of belonging is 0.824, indicating a very strong correlation between these two variables. This result indicates that the higher the quality of a public space, the greater the possibility of creating a sense of belonging to that space for users than other spaces. In examining the relationship between the sense of belonging and the components of public space quality, the strongest relationship is with the social component of public spaces. The most important result of this research is the weakness of the attachment component to place.

Conclusion According to the results, attachment to place has a weak relationship with physical, social, and semantic components. In fact, in the public spaces of Area 22, a deep emotional connection between the individual and the place has not been established, and the public spaces lack meaning for the users.

Keywords Sense of Belonging to a Place; City Identity; Quality of Public Space; District 22; Tehran

CITATION LINKS

[Ahmed & Haykal, 2022] The impact of public space's physical characteristics on sense of place in Erbil City. Commercial ...; [Akhlaghi & Shafizadeh, 2025] Explanation of factors affecting the sense of place in religious places of Iran ...; [Askarizad & Safari, 2020] The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in ...; [Carmona, 2019] Principles for public space design, planning ...; [Daneshpayeh & Habib, 2017] The main factors affecting the formation of a sense of place in ...; [Duggan *et al.*, 2024] Incorporating sense of place into the management of ...; [Forouzangohar, 2022] Evaluating the correlation between the ...; [Francis *et al.*, 2012] Quality or quantity? Exploring the relationship ...; [Frost & Catney, 2020] Belonging and the intergenerational transmission ...; [Khandan & Rezaei, 2021] Investigate and analyze the adaptation ...; [Korjani *et al.*, 2023] Comparative investigation of sense of place ...; [Letafati & Ansari, 2022] A model for identifying and enhancing the sense ...; [Mehta, 2019] Space, time, and agency on the ...; [Mehta, 2019] Streets and social life in cities ...; [Mehta & Nogalski, 2024] Suburban camouflage in urban neighbourhoods ...; [Mohammad-Moradi *et al.*, 2022] Measuring sense of place and identifying the effective components ...; [Mohammad-Moradi *et al.*, 2025] A comparison of the sense of place between two urban ...; [Raffaetà & Duff, 2013] Putting belonging into place: Place experience ...; [Ranjbari *et al.*, 2023] An analysis of the relation between sense of place and ...; [Shamsuddin & Ujang, 2008] Making places: The role of attachment ...; [Soltanitehrani *et al.*, 2024] The effect of sense of belonging in the revitalization of ...; [Statistical Center of Iran, 2016] National population and housing ...; [Tan *et al.*, 2018] Sense of place and sustainability of intangible cultural ...; [Ujang, 2017] Place attachment and continuity of urban ...; [Ujang & Zakariya, 2015] Place attachment and the value of place in the life ...;

Copyright© 2025, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

رابطه کیفیت فضای شهری و سطوح مختلف حس مکان در منطقه ۲۲ شهر تهران

محمود حسینی لاهوری MSc
گروه شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران
منصور منصوری* PhD
گروه معماری و شهرسازی، دانشکده عمران و معماری، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران
پریا شفیع‌پور یوردشاهی PhD
گروه معماری و شهرسازی، دانشکده عمران و معماری، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران

چکیده
اهداف: هدف از این پژوهش شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار فضاهای شهری در افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای عمومی منطقه ۲۲ شهر تهران بود.
روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت تحلیلی-توصیفی بود و در منطقه ۲۲ شهر تهران در زمستان سال ۱۴۰۳ انجام شد. استراتژی پژوهش، استقرایی بود. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. جامعه آماری، ساکنین منطقه ۲۲ شهر تهران بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۷ نفر به‌دست آمد و نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده و با توجه به توزیع جغرافیایی جمعیت در محلات مختلف منطقه صورت گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۴ بهره گرفته شد.
یافته‌ها: رابطه کیفیت فضای عمومی با حس تعلق ۰/۸۲۴ شد که نشان از همبستگی خیلی قوی این دو متغیر بود. این نتیجه گویای آن است که یک فضای عمومی هرچه کیفیت بالاتری داشته باشد، امکان ایجاد حس تعلق به آن فضا برای استفاده‌کنندگان بیشتر از سایر فضاها است. در بررسی رابطه حس تعلق با مولفه‌های کیفیت فضای عمومی، قوی‌ترین رابطه با مولفه اجتماعی فضاهای عمومی بود.
نتیجه‌گیری: دلبستگی به مکان رابطه ضعیفی با مولفه‌های کالبدی، اجتماعی و معنایی دارد. در واقع در فضاهای عمومی منطقه ۲۲ ارتباط عاطفی عمیقی میان فرد و مکان به وجود نیامده و فضاهای عمومی فاقد معنایی برای استفاده‌کنندگان است.

کلیدواژگان: حس تعلق به مکان، هویت شهر، کیفیت فضای عمومی، منطقه ۲۲ تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸
*نویسنده مسئول: m-mansori@tvu.ac.ir

مقدمه
امروزه کیفیت زندگی در جوامع شهری، ارتباط مستقیمی با پویایی و سرزندگی فضاهای عمومی دارد. این فضاها نه‌تنها بستر تعاملات اجتماعی هستند، بلکه نقش مهمی در ارتقای حس تعلق به مکان ایفا می‌کنند. در حالی که ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و کالبدی فضاهای عمومی قابل توجه هستند، اهمیت ابعاد اجتماعی و معنایی آنها در زندگی شهری به مراتب بیشتر است [Mehta & Nogalski, 2024; Carmona, 2019]. با این حال، سیاست‌های معاصر طراحی شهری اغلب با نادیده‌گرفتن ابعاد انسانی و اجتماعی، فضاهایی تولید کرده‌اند که صرفاً حاصل کنار هم قرارگرفتن عناصر کالبدی هستند و از معنا و هویت تهی هستند [Mehta, 2019]. این امر موجب تضعیف پیوند شهروندان با مکان و کاهش حس تعلق شده است [Letafati & Ansari, 2022]. توجه به هویت عناصر کالبدی و بصری شهری می‌تواند حس تعلق مکانی و همبستگی را به شهروندان القا کند و آنها را به مشارکت و همراهی بیشتر در امور شهری تشویق کند [Tan *et al.*, 2018; Ujang *et al.*, 2015]. ایجاد هویت در محیط باعث می‌شود که شخص به مرور زمان ارتباط نزدیکی با محیط برقرار کرده و در نهایت خود را متعلق به محیط و جزیی از آن بداند [Mohammad-Moradi *et al.*, 2025]. با گذشت سال‌ها، در شهرهای جدید نقش هویت شهری کم‌رنگ‌تر شده و بناها و عناصر کالبدی تقلیدی و بی‌هویت به طرز گسترده‌ای در حال افزایش هستند. این در حالی است که فضاها و بافت‌های قدیمی شهر همچنان هویت و جذابیت خود را برای شهروندان حفظ کرده‌اند [Mohammad-Moradi *et al.*, 2022; Korjani *et al.*, 2023]. رلف بیان می‌کند بعد معنایی فضا در طول زمان و براساس رویدادهای مختلف شکل گرفته و هر زمان ما فضا را درک کنیم و با فضا ارتباط برقرار کنیم مفهوم مکان شکل می‌گیرد [Ahmed & Haykal, 2022]. تاکید اساسی آلتمن بر نقش اجتماعی فضاهای شهری بوده و تعلق به مکان را تعلق به ادراکات، حافظه و خاطر مردم از فضای عمومی تلقی می‌کند [Francis *et al.*, 2012]. واژه حس مکان اولین بار توسط هارولد پروشانسکی به عنوان درک افراد از رابطه خود با فضای کالبدی و حاصل تداوم زندگی در فضاهای عمومی معرفی گردید. حس تعلق به مکان به عنوان سطحی بالاتر از حس مکان بوده که از استفاده بیشتر از فضاهای عمومی و تجربیات هر فرد از فضای شهری ایجاد می‌شود [Duggan, 2024]. حس تعلق به مکان را می‌توان در تعلق اجتماعی به مکان و تعلق کالبدی به مکان طبقه‌بندی کرد [Ahmed & Haykal, 2022].

ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که حس تعلق به مکان، مفهومی چندبعدی و پیچیده است که از عوامل کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی تاثیر می‌پذیرد. برخی مطالعات بر اهمیت عناصر کالبدی مانند خوانایی، هویت بصری و هماهنگی عملکردی در شکل‌گیری حس مکان تاکید داشته‌اند [Frost & Catney, 2020; Shamsuddin & Ujang, 2008]، در حالی که گروهی دیگر، نقش عوامل اجتماعی چون امنیت، مشارکت و خاطره‌انگیزی را در ارتقای حس تعلق پررنگ‌تر دانسته‌اند [Tan *et al.*, 2018; Forouzangohar, 2022; Akhlaghi & Shafizadeh, 2025]. همچنین بخش زیادی از پژوهش‌ها، به بافت‌های تاریخی یا محلات فرسوده شهری معطوف بوده‌اند [Soltanitehrani *et al.*, 2024; Korjani *et al.*, 2023]؛ یا تنها به بررسی یکی از ابعاد کالبدی یا اجتماعی بسنده کرده‌اند. اگرچه برخی پژوهش‌ها به

بررسی عوامل فردی و اجتماعی موثر بر دلبستگی مکانی پرداخته‌اند [Ujang, 2017; Raffaetà & Duff, 2013; Khandan & Rezaei, 2021]، اما توجه به پویایی و سطوح مختلف حس تعلق هنوز جای کار دارد.

براساس چارچوب نظری جدید، حس تعلق به مکان فرآیندی چندسطحی و تدریجی است که از بی‌تفاوتی نسبت به مکان آغاز شده و تا فداکاری برای مکان به عنوان بالاترین سطح ادغام فرد با فضا پیش می‌رود. با این وجود، شکاف مهمی در ادبیات وجود دارد: نحوه توزیع و شکل‌گیری این سطوح مختلف حس تعلق در فضاهای عمومی مناطق جدید شهری، همچون منطقه ۲۲ تهران، به‌درستی شناخته نشده است. نوآوری این پژوهش در ارایه یک چارچوب تلفیقی برای شناسایی و ارزیابی مولفه‌های کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی موثر بر سطوح مختلف حس تعلق به مکان در فضاهای عمومی منطقه ۲۲ تهران نهفته است. برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً بر یک بعد خاص تمرکز داشته‌اند یا حس تعلق را به صورت مفهومی واحد بررسی کرده‌اند، این تحقیق با تقسیم‌بندی هفت‌سطحی حس تعلق به مکان و ارزیابی توزیع این سطوح در فضاهای عمومی، تصویری دقیق‌تر و کاربردی‌تر از پیوند مردم با مکان ارایه می‌دهد. این نوآوری می‌تواند به غنای ادبیات نظری، بهبود فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری و ارتقای کیفیت زندگی در مناطق شهری جدید کمک شایانی کند.

منطقه ۲۲ تهران به عنوان یکی از جدیدترین پهنه‌های توسعه شهری، با ویژگی‌های منحصر به فرد نظیر کاربری‌های نوین، حضور عناصر طبیعی گسترده، مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه و مراکز تجاری مدرن، از نظر ساختار فضایی و اجتماعی با دیگر مناطق شهر متفاوت است. این تفاوت‌ها، ضرورت مطالعه اختصاصی در زمینه سطوح مختلف حس تعلق به مکان و مولفه‌های تاثیرگذار بر آن در فضاهای عمومی این منطقه را دوچندان می‌کند. علاوه بر این، کمبود پژوهش‌هایی که به صورت تلفیقی، همزمان ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی فضا را بررسی کرده و در نهایت راهبردهای اجرایی بومی برای ارتقای حس تعلق به مکان ارایه دهند، محسوس است. در نتیجه، شناخت دقیق این مولفه‌ها در کنار ترسیم توزیع سطوح حس تعلق و تدوین سیاست‌های عملیاتی برای بهبود کیفیت فضاهای عمومی منطقه ۲۲، می‌تواند شکاف موجود در ادبیات را پوشش داده و به ارتقای کیفیت زندگی شهری ساکنان کمک کند.

هدف از این پژوهش شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار فضاهای شهری در افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای عمومی منطقه ۲۲ شهر تهران بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت تحلیلی-توصیفی بود و در منطقه ۲۲ شهر تهران در زمستان سال ۱۴۰۳ انجام شد. طراحی پژوهش بر مبنای رویکرد استقرایی و بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری به منظور بررسی روابط میان ابعاد مختلف کیفیت فضاهای عمومی و سطوح تجربه‌شده احساس تعلق انجام گرفت. جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه ساکنین منطقه ۲۲ شهر تهران بود. براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن [Statistical Center of Iran, 2016]، جمعیت این منطقه برابر با ۱۷۵,۳۹۸ نفر گزارش شد. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران و با لحاظ سطح خطای ۵٪، به تعداد ۳۸۷ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده و با توجه به توزیع جغرافیایی جمعیت در محلات مختلف منطقه صورت گرفت. داده‌ها از طریق مراجعه میدانی به محدوده‌های مشخص فضاهای عمومی (از جمله مجموعه بام‌لند، دریاچه شهدای خلیج فارس، ایران‌مال) گردآوری شدند.

برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. طراحی و ساخت پرسش‌نامه در چارچوبی نظام‌مند و بر مبنای مبانی نظری، مطالعات تجربی و تحلیل مفهومی مولفه‌های احساس تعلق به فضاهای عمومی انجام گرفت. مراحل ساخت پرسش‌نامه به شرح زیر است:

در گام نخست، با هدف شناسایی مولفه‌های موثر بر کیفیت فضاهای عمومی و احساس تعلق، مرور نظام‌مند منابع علمی معتبر (اعم از مقالات بین‌المللی، گزارش‌های پژوهشی و نظریه‌پردازی‌های معاصر مانند یان گل، کارمونا و مهتا) انجام گرفت. این مرور مبنای طراحی چارچوب مفهومی پژوهش قرار گرفت. سپس براساس چارچوب نظری تدوین‌شده، ابعاد سه‌گانه کیفیت فضاهای عمومی (کالبدی، اجتماعی، معنایی) و مولفه‌های هفت‌گانه احساس تعلق‌مندی به مکان شناسایی شدند. سپس برای هر بعد، شاخص‌های قابل سنجش و مولفه‌های رفتاری معادل‌سازی شدند. برای هر یک از شاخص‌های تعریف‌شده، گویه‌هایی طراحی شد که بتواند تجربه و ادراک پاسخ‌دهندگان را در قالب طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) منعکس سازد. در طراحی گویه‌ها تلاش شد تا اصولی مانند سادگی، وضوح زبانی، بی‌طرفی و عدم ابهام رعایت شود. سپس براساس مدل هفت‌مرحله‌ای احساس مکان (از بی‌تفاوتی تا فداکاری)، برای هر سطح چند گویه اختصاصی طراحی شد که ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری احساس تعلق را به تفکیک پوشش دهد. این طراحی چندبعدی، امکان تحلیل تفصیلی و مقایسه‌پذیر میان گروه‌های مختلف پاسخ‌دهنده را فراهم می‌سازد. در مرحله بعد پیش‌نویس اولیه پرسش‌نامه برای ارزیابی روایی محتوایی به پنج نفر از متخصصان حوزه برنامه‌ریزی شهری و طراحی فضاهای عمومی ارایه شد. اصلاحات پیشنهادی در خصوص شفاف‌سازی برخی گویه‌ها، بازنگری در ترتیب چینش سوالات و ادغام برخی شاخص‌های همپوشان اعمال گردید و سپس پرسش‌نامه در یک مطالعه پایلوت با نمونه‌ای ۳۰نفری از ساکنین منطقه ۲۲ تهران اجرا شد. سپس با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی ابزار مورد سنجش قرار گرفت که مقدار کلی آن برابر با ۰/۸۴۶ به‌دست آمد و نشان‌دهنده انسجام

درونی مطلوب گویه‌ها بود. در مرحله آخر نسخه نهایی پرسش‌نامه پس از اعمال اصلاحات تخصصی و اطمینان از روایی و پایایی، برای گردآوری داده‌های اصلی بر روی نمونه ۳۸۷نفره از ساکنان منطقه ۲۲ تهران اجرا شد.

ساختار پرسش‌نامه شامل دو بخش اصلی بود. نخست ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی در سه بعد کالبدی، اجتماعی و معنایی. بعد کالبدی به بررسی مولفه‌هایی نظیر امکانات و خدمات، مبلمان شهری، نوع کاربری‌ها و سازمان فضایی پرداخت [Mehta & Nogalski, 2024; Carmona, 2019]. در حالی که بعد اجتماعی شامل مولفه‌هایی چون فعالیت‌پذیری، حضورپذیری، امنیت و فراگیری اجتماعی بود [Mehta & Nogalski, 2024; Carmona, 2019]. بعد معنایی نیز دربرگیرنده معانی فرهنگی و نمادین، خاطره‌انگیزی و ویژگی‌های بومی مکان بود [Mehta, 2019]. بخش دوم پرسش‌نامه به سنجش سطح تعلق‌مندی به مکان اختصاص داشت و براساس مدل هفت مرحله‌ای احساس مکان، از بی‌تفاوتی تا فداکاری تدوین شد که برای هر سطح، تعدادی گویه طراحی شد:

سطح ۱: بی‌تفاوتی نسبت به مکان (۲ گویه): احساس اضطراب، انجام فعالیت اجباری مانند عبور یا خرید.

سطح ۲: آگاهی از قرارگیری در یک مکان (۷ گویه): آشنایی با مکان، نداشتن حس غربت، خوانایی، ایمنی، حفظ حریم خصوصی و دسترسی مناسب.

سطح ۳: تعلق به مکان (۶ گویه): احساس تعلق، فعالیت انتخابی، راحتی، امنیت و شمول‌پذیری محیط برای گروه‌های مختلف.

سطح ۴: دلبستگی به مکان (۴ گویه): تمایل به صرف هزینه در محیط، محبت به مکان، فعالیت اجتماعی و وجود خاطرات خوش.

سطح ۵: یکی‌شدن با اهداف مکان (۱۱ گویه): تمایل به ماندن، مشارکت‌جویی، تعاملات اجتماعی، تنوع و جذابیت فعالیت‌ها، مراسم‌ها و انعطاف‌پذیری فضا.

سطح ۶: حضور در مکان (۶ گویه): احساس غرور، اجتماع‌پذیری، زیبایی‌شناسی، کیفیت نور، رنگ و تزیینات محیط.

سطح ۷: فداکاری برای مکان (۲ گویه): تحمل شرایط نامطلوب و تمایل به مراقبت از محیط (جمع‌آوری زباله).

جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه، از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار کلی ۰/۸۴۶ به‌دست آمد و نشان‌دهنده انسجام مطلوب گویه‌ها بود.

برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۴ بهره گرفته شد که امکان بررسی همزمان روابط میان سازه‌های مفهومی را فراهم می‌آورد. تحلیل‌های انجام‌شده شامل بررسی برازش کلی مدل مفهومی با داده‌های تجربی، تحلیل ضرایب مسیر برای ارزیابی شدت و جهت روابط میان ابعاد کیفیت فضا با سطوح تعلق‌مندی و همچنین بررسی ضرایب استاندارد برآوردشده به عنوان شاخص‌هایی از شدت اثرگذاری مفاهیم اصلی بود.

یافته‌ها

در مرحله نخست، شاخص‌های برازش مدل مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج اولیه حاکی از آن بود که مدل پیشنهادی از برازش مناسبی برخوردار نیست. بر این اساس و طبق پیشنهاد نرم‌افزار AMOS، اصلاحاتی در مسیرهای مدل اعمال شد. پس از این اصلاحات، شاخص‌های برازش مدل بهبود یافتند؛ به گونه‌ای که مقادیر CMIN/DF برابر با ۲/۷۵۱، GFI معادل ۰/۹۳۰، CFI برابر با ۰/۹۴۶ و NFI برابر با ۰/۹۲۰ به‌دست آمد که همگی بیانگر برازش قابل قبول مدل مفهومی بودند.

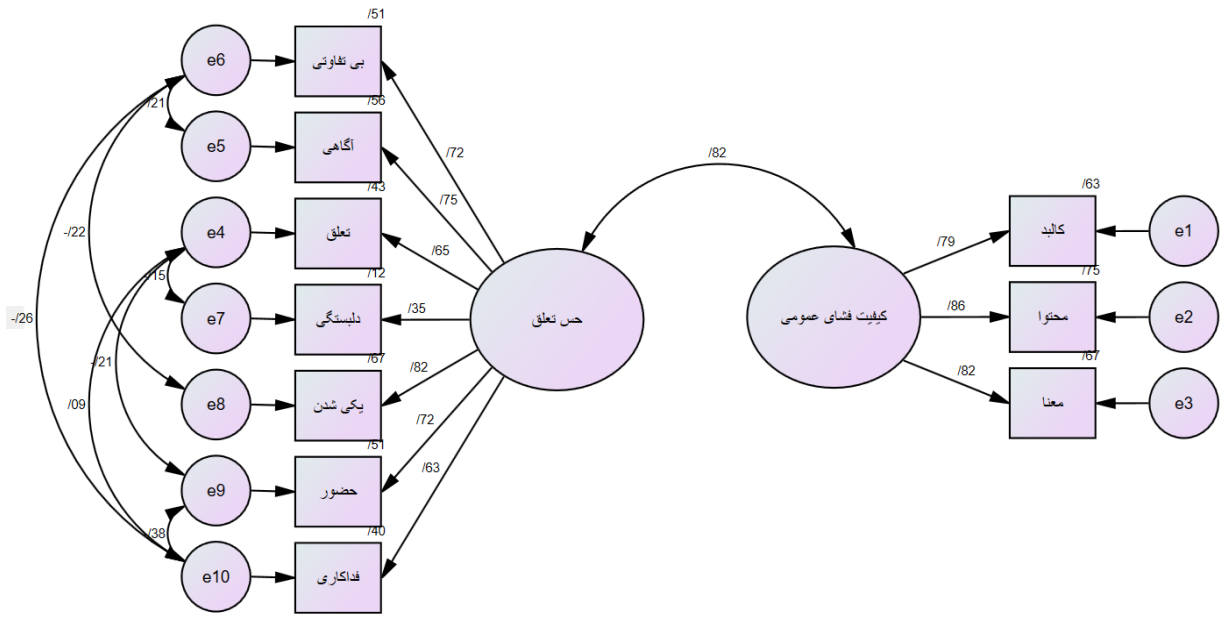

شکل ۱) برازش مدل مفهومی در AMOS

براساس نتایج تحلیل، تمامی روابط پیش‌بینی‌شده در مدل از نظر آماری معنادار بودند. مولفه اجتماعی، بیشترین تاثیر را بر کیفیت فضای شهری داشت. در بررسی مولفه‌های تاثیرگذار بر حس تعلق به مکان، «یکی‌شدن با اهداف مکان» دارای بیشترین اثر و «دلبستگی به مکان» دارای کمترین اثر بود. همچنین مولفه‌هایی همچون «بی‌تفاوتی نسبت به مکان»، «آگاهی از قرارگیری در مکان»، «تعلق به مکان»، «حضور در مکان» و «فداکاری برای مکان» نقش پررنگی در تقویت حس تعلق به فضاهای شهری منطقه ۲۲ ایفا کردند. ارزیابی کلی بارهای عاملی مدل نشان داد که تمامی مولفه‌ها (به جز دلبستگی به مکان) دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۶ بودند که نشان‌دهنده اعتبار مناسب مدل معادلات ساختاری بود (شکل ۱).

نتایج همبستگی میان مولفه‌ها نشان داد که بین حس تعلق و کیفیت فضای شهری رابطه‌ای قوی و مستقیم برقرار بود. همچنین میان حس تعلق و سه مولفه معنایی، اجتماعی و کالبدی نیز همبستگی بالا و معناداری مشاهده شد. در میان مولفه‌های تشکیل‌دهنده حس تعلق، «یکی‌شدن» و «آگاهی» دارای همبستگی بالا با کیفیت فضای عمومی بودند. مولفه‌های «حضور»، «بی‌تفاوتی» و «تعلق به مکان» همبستگی متوسطی داشتند و «دلبستگی به مکان» همبستگی ضعیف‌تری را نشان داد. در بررسی همبستگی میان مولفه‌های کیفیت فضای عمومی و مولفه‌های حس تعلق، مشخص شد که سه مولفه معنایی، اجتماعی و کالبدی با ابعاد مختلف حس تعلق، رابطه‌ای متوسط و معنادار دارند. در این میان، دلبستگی به مکان، همبستگی نسبتاً ضعیفی با سایر مولفه‌ها نشان داد. تمامی روابط به‌دست‌آمده از نظر آماری معنادار بودند و نشان‌دهنده ارتباط مفهومی مولفه‌ها با کیفیت فضای عمومی و حس تعلق بود (جدول ۱).

جدول ۱) نتایج همبستگی مولفه‌ها

مولفه‌ها	کیفیت فضای عمومی	معنایی	اجتماعی	کالبدی
حس تعلق	۰/۸۲۴	۰/۶۷۲	۰/۷۱۲	۰/۶۵۲
فداکاری برای مکان	۰/۵۲۱	۰/۴۲۵	۰/۴۵۰	۰/۴۱۲
حضور در مکان	۰/۵۹۰	۰/۴۸۱	۰/۵۱۱	۰/۴۶۷
یکی‌شدن با اهداف مکان	۰/۶۷۷	۰/۵۵۲	۰/۵۸۵	۰/۵۳۵
دلبستگی به مکان	۰/۲۸۹	۰/۲۳۶	۰/۲۵۰	۰/۲۲۹
بی‌تفاوتی نسبت به مکان	۰/۵۹۰	۰/۴۸۱	۰/۵۱۰	۰/۴۶۷
آگاهی از قرارگیری در یک مکان	۰/۶۱۵	۰/۵۰۱	۰/۵۳۲	۰/۴۸۶
تعلق به مکان	۰/۵۳۸	۰/۴۳۸	۰/۴۶۵	۰/۴۲۵

بحث

هدف از این پژوهش شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار فضاهای شهری در افزایش حس تعلق به مکان و ارایه راهبردهایی جهت بهبود حس تعلق در فضاهای عمومی منطقه ۲۲ بود. در این راستا پس از مطالعه ادبیات پژوهش، مدل مفهومی پژوهش تدوین شد. این مدل شامل ۳ مولفه معنایی، اجتماعی و کالبدی کیفیت فضای عمومی و هفت سطح بی‌تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، یکی‌شدن با اهداف مکان، حضور در مکان و فداکاری برای مکان به عنوان سطوح حس تعلق به مکان بود.

نتایج این تحقیق نشان داد که تمامی روابط مدل مفهومی پژوهش در سطح معناداری قرار داشتند و این خود گویای پایایی و روایی مدل نظری تحقیق بود. مهم‌ترین یافته این مطالعه آن بود که مولفه اجتماعی بیشترین اثر را بر کیفیت فضای شهری داشت. این نتیجه نشان‌دهنده اهمیت ابعاد اجتماعی فضاهای عمومی، همچون حضورپذیری، امنیت، تعاملات اجتماعی و همه‌شمولیت بود؛ عواملی که در تحقیقات پیشین نیز به عنوان شاخص‌های اصلی ارتقای کیفیت فضای عمومی شناسایی شده‌اند [Soltanitehrani *et al.*, 2024; Ranjbari *et al.*, 2023; Khandan & Rezaei, 2021]. این بدان معنا است که هرگونه ارتقا در بعد اجتماعی فضاهای شهری می‌تواند نقشی کلیدی در بهبود درک ساکنین از کیفیت این فضاها ایفا کند.

از سوی دیگر، مولفه یکی‌شدن با اهداف مکان بالاترین تاثیر را بر حس تعلق به مکان نشان داد. این یافته حاکی از آن بود که زمانی که اهداف و ارزش‌های فردی با اهداف و کارکردهای یک مکان همسو شود، پیوند عمیق‌تری میان فرد و مکان شکل می‌گیرد. مشارکت فعال شهروندان در فعالیت‌های مکان، همگرایی با هویت جمعی و تعامل مثبت اجتماعی، مسیرهایی هستند که می‌توانند این همسویی را تقویت کنند و موجب حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری نسبت به فضا شوند. این نتایج با دیدگاه‌هایی که نقش مشارکت و همگرایی اجتماعی را در ایجاد دلبستگی مکانی پررنگ دانسته‌اند، همخوانی دارد [Mehta & Nogalski, 2024; Askarizad & Safari, 2020; Carmona, 2019; Daneshpayeh & Habib, 2017].

نکته قابل توجه دیگر این بود که دلبستگی به مکان کمترین تاثیر را بر حس تعلق به مکان نشان داد. این موضوع نشان داد که صرف داشتن خاطرات یا علاقه‌مندی عاطفی به یک مکان، به‌تنهایی نمی‌تواند عاملی قدرتمند در ارتقای حس تعلق باشد. به عبارت دیگر، دلبستگی احساسی هرچند ارزشمند است، اما اگر با حضور فعال، آگاهی، مشارکت و فداکاری تلفیق نشود، تاثیر چندانی بر حس تعلق نخواهد داشت. از حیث روابط بین متغیرها، مشخص شد که رابطه قوی و مستقیم میان حس تعلق به مکان و کیفیت فضای شهری وجود دارد. این نشان‌دهنده آن است که افزایش کیفیت کالبدی، اجتماعی و معنایی فضاهای عمومی می‌تواند به طور مستقیم باعث تقویت حس تعلق شهروندان گردد. این نتیجه با ادبیات غنی موجود پیرامون اهمیت کیفیت فضاهای عمومی در ارتقای سرزندگی شهری، سرمایه اجتماعی و دلبستگی مکانی همسو است [Daneshpayeh & Habib, 2017].

نتایج تحلیل مولفه‌ها بیانگر آن بود که مولفه‌های بی‌تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، حضور در مکان و فداکاری برای مکان اثرات قوی و معناداری بر حس تعلق داشتند. این یافته‌ها حاکی از آن است که سیر تکاملی حس تعلق از آگاهی و حضور ابتدایی تا مشارکت فعال و فداکاری، نقشی

کلیدی در تقویت پیوند فرد با فضا ایفا می‌کند.

در سطح روابط بین مولفه‌های کیفیت فضای عمومی (کالبدی، اجتماعی و معنایی) و مولفه‌های حس تعلق نیز مشخص شد که این روابط در سطح متوسط و مثبت قرار دارند؛ به این معنا که برای ارتقای حس تعلق، هر سه بعد فضای عمومی باید به شکل همزمان و متعادل تقویت شوند. با این حال، دلبستگی به مکان با این سه بعد رابطه ضعیفی داشت؛ این موضوع می‌تواند به نقش تجارب شخصی و خاطرات فردی در شکل‌گیری دلبستگی مستقل از کیفیت عینی فضا اشاره داشته باشد. جمع‌بندی این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که برای ارتقای حس تعلق به مکان در فضاهای عمومی منطقه ۲۲ تهران، لازم است ابعاد اجتماعی فضاها تقویت شوند، فرصت‌هایی برای مشارکت فعال شهروندان فراهم گردد و معانی فرهنگی و تاریخی فضاها حفظ و بازتولید شوند. توجه صرف به بهبود کالبد یا زیباسازی فضا، بدون تقویت ابعاد اجتماعی و معنایی، به‌تنهایی کافی نخواهد بود.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مقطعی‌بودن پژوهش اشاره کرد. در واقع داده‌ها تنها در فصل زمستان جمع‌آوری شده که ممکن است بر نوع استفاده کاربران از فضاهای عمومی و ادراک آنان تاثیرگذار بوده باشد. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش استفاده صرفاً از داده‌های کمی است. در واقع داده‌ها از طریق پرسش‌نامه‌های ادراکی جمع‌آوری شده‌اند و ممکن است پاسخ‌ها با سوگیری ذهنی یا حافظه پاسخ‌دهندگان همراه باشد.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود مطالعات تطبیقی مشابه در مناطق مختلف شهری یا شهرهای دیگر ایران برای بررسی تفاوت‌های زمینه‌ای در حس تعلق به مکان صورت گیرد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش‌های کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق یا مشاهده مشارکتی برای تکمیل و غنابخشی نتایج کمی استفاده گردد. پیشنهاد می‌شود مطالعه نقش عوامل فردی همچون سن، جنسیت، مدت سکونت، میزان مشارکت اجتماعی و سبک زندگی در تعدیل رابطه بین کیفیت فضای عمومی و حس تعلق و همچنین بررسی تاثیر رخدادها، جشنواره‌ها و فعالیت‌های فرهنگی موقت بر ارتقای حس تعلق در فضاهای عمومی می‌تواند تکمیل بخش این پژوهش باشند.

نتیجه‌گیری

کیفیت فضای عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای حس تعلق به مکان در منطقه ۲۲ تهران دارد. به‌ویژه بعد اجتماعی فضا و مولفه یکی‌شدن با اهداف مکان مهم‌ترین عوامل اثرگذار شناسایی شدند.

تشکر و قدردانی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تاییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تعارض منافع: موردی برای گزارش وجود ندارد.

سهم نویسندگان: محمود حسین لاهوری (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/پژوهشگر اصلی/نگارنده بحث (۴۰٪)؛ منصور منصوری (نویسنده دوم)، روش‌شناس/پژوهشگر اصلی/نگارنده بحث (۳۵٪)؛ پریا شفیع‌پور یوردشاهی (نویسنده سوم)، پژوهشگر اصلی/تحلیلگر آماری (۲۵٪)

منابع مالی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- Ahmed ZA, Haykal HT (2022). The impact of public space's physical characteristics on sense of place in Erbil City. Commercial streets as a case study. Eurasian Journal of Science and Engineering. 8(3):263-282.
- Akhlaghi L, Shafizadeh A (2025). Explanation of factors affecting the sense of place in religious places of Iran (case examples of historical mosques in Tabriz). Human Ecology. 4(10):815-835. [Persian]
- Askarizad R, Safari H (2020). The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in urban spaces (case study: The pedestrian zone of Rasht municipality square, Iran). Cities. 101:102687.
- Carmona M (2019). Principles for public space design, planning to do better. Urban Design International. 24:47-59.
- Daneshpayeh N, Habib F (2017). The main factors affecting the formation of a sense of place in the new urban development zones (case study: Region no. 22 & region no. 4 of Tehran municipality). MOTALEATE SHAHRI. 7(25):17-30. [Persian]
- Duggan J, Clement S, Cvitanovic C, Van Putten I (2024). Incorporating sense of place into the management of marine protected areas: A case study from new south Wales, Australia. Ocean & Coastal Management. 258:107417.
- Forouzangohar H (2022). Evaluating the correlation between the sense of place and social capital in urban spaces of Tehran; Case study: Saadatabad, Naziabad, and Narmak neighborhoods. ARMANSHAHR Architecture & Urban Development. 15(38):283-294. [Persian]
- Francis J, Wood LJ, Knuiman M, Giles-Corti B (2012). Quality or quantity? Exploring the relationship between public open space attributes and mental health in Perth, western Australia. Social Science & Medicine. 74(10):1570-1577.
- Frost D, Catney G (2020). Belonging and the intergenerational transmission of place identity: Reflections on a British inner-city neighbourhood. Urban Studies. 57(14):2833-2849.
- Khandan P, Rezaei H (2021). Investigate and analyze the adaptation of physical factors with perceptual-cognitive dimensions of the sense of place in public spaces from socio-cultural perspective; Case study: Public spaces in Kermanshah city. ARMANSHAHR Architecture & Urban Development. 13(33):91-105. [Persian]
- Korjani S, Akbari Namdar S, Singari M, Sattari Sarbangholi H (2023). Comparative investigation of sense of place components in historical bridges of Iran; Case study: Bridges constructed on the path of Zayandeh rood river from source to wetland. ARMANSHAHR Architecture & Urban Development. 16(45):39-58. [Persian]
- Letafati Z, Ansari H (2022). A model for identifying and enhancing the sense of place and collective memories (case study: Dez river). Journal of Iranian Architecture Studies. 8(15):65-89. [Persian]
- Mehta V (2019). Space, time, and agency on the Indian street. In: The Palgrave handbook of bottom-up urbanism. Cham: Palgrave Macmillan. p. 239-253.
- Mehta V (2019). Streets and social life in cities: A taxonomy of sociability. Urban Design International. 24:16-37.
- Mehta V, Nogalski S (2024). Suburban camouflage in urban neighbourhoods: New building typologies and their impact on social life of residential streets. Journal of Urban Design.

- Shamsuddin S, Ujang N (2008). Making places: The role of attachment in creating the sense of place for traditional streets in Malaysia. Habitat International. 32(3):399-409.
- Soltanitehrani G, Tavakolan A, Zyviar P (2024). The effect of sense of belonging in the revitalization of dysfunctional urban neighborhoods, (case study of Khak-e-Sefid neighborhood of Chaharshahr area of Tehran). Research and Urban Planning. 14(55):237-252. [Persian]
- Statistical Center of Iran (2016). National population and housing census, 2016. Tehran: Statistical Center of Iran. [Persian]
- Tan SK, Tan SH, Kok YS, Choon SW (2018). Sense of place and sustainability of intangible cultural heritage-the case of George town and Melaka. Tourism Management. 67:376-387.
- Ujang N (2017). Place attachment and continuity of urban place identity. Asian Journal of Environment-Behaviour Studies. 2(2):117-132.
- Ujang N, Zakariya K (2015). Place attachment and the value of place in the life of the users. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 168:373-380.
- Mohammad-Moradi A, Yazdanfar SA, Faizi M, Norouzian-Maleki S (2022). Measuring sense of place and identifying the effective components in the historical fabric of Tehran (case study: The historical neighborhood of Imamzadeh Yahya). Journal of Iranian Architecture Studies. 8(15):173-191. [Persian]
- Mohammad-Moradi A, Yazdanfar SA, Khanmohammadi MA, Norouzian-Maleki S, Shaheen P (2025). A comparison of the sense of place between two urban heritage sites (Oudlajan historic neighborhood, Tehran, and Shah Abol-Ghasem, Yazd). Frontiers of Architectural Research. 14(1):172-197.
- Raffaetà R, Duff C (2013). Putting belonging into place: Place experience and sense of belonging among Ecuadorian migrants in an Italian Alpine region. City & Society. 25(3):328-347.
- Ranjbari A, Jafari Mehrabadi M, Aghaeizadeh E (2023). An analysis of the relation between sense of place and belonging in urban neighborhoods (case study: Bagherabad neighborhood of Rasht). Research and Urban Planning. 14(52):107-122. [Persian]